

مقدمه‌ای بر

# جامعه‌شناسی خانواده

باقر سلاروخانی

سروش

تهران ۱۳۹۲

شماره ترتیب انتشار: ۵۴۲/۱۸

ساروخانی، باقر، ۱۳۱۸-  
 مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده / باقر ساروخانی. - [ویرایش ۲]. - تهران:  
 روش (انتشارات صداوسیما)، ۱۳۷۵.  
 ۱۲. جدول نمودار.  
 ۵۰۰ ریال.  
 فونت: اساس اطلاعات فیبا.  
 Sociology of Family.  
 کتاب: به آنوسی:  
 کتاب: ص ۱-۲۳۱-۳.  
 چاپ: سفند ۱۳۷۵.  
 ۱. زنشهر، زنشهر - ایران، ۳. خانواده، ۴. زنان - اشتغال، ۵. خویشاوندی،  
 الف. صداوسیما، ج. ساری، لامی ایران. انتشارات سروش. ب. عنوان. ج. عنوان:  
 جامعه‌شناسی خانواده  
 ۷ م ۲ س / HQ ۷۴۳ / ۶۸  
 ۱۳۷۵  
 م ۷۸-۶۶۷۳  
 کتابخانه ملی ایران



انتشارات سروش و سهامی جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دستغیب، ساختمان سروش

مرکز پخش: ۸-۸۸۳۴۵۰۶۳

<http://www.soroushpublishingco.ir>

عنوان: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده

نویسنده: باقر ساروخانی

چاپ هجدهم: اسفند ۱۳۹۲

چاپ اول: ۱۳۷۰

قیمت: ۱۲۵،۰۰۰ ریال

این کتاب در بانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۰۶۸۲-۸

چاپ اول تا هفدهم: ۴۱،۰۰۰ نسخه

## فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۱

### بخش نخست: ازدواج و تطور آن

مقدمه	۲۴
فصل اول: تعریف ازدواج و شناخت آماری آن	۲۵
تعریف ازدواج	۲۵
شناخت آماری ازدواج	۲۷
خلاصه فصل	۲۹
فصل دوم: ازدواج، دیدگاه اجتماعی و تطور آن، ابعاد اجتماعی ازدواج و اهداف آن	۳۱
تطور همسرگزینی	۳۷
خلاصه فصل	۴۲

### بخش دوم: همسان همسری قاعده جهانی همسرگزینی

درآمد	۴۶
فصل اول: همسان همسری از دیدگاه جغرافیایی	۵۳
خلاصه فصل	۵۷
فصل دوم: همسان همسری بر مبنای ویژگیهای جسمانی	۶۱
تعلق نژادی و گزینش همسر	۶۱
عامل سن در ازدواج	۶۲
شرایط مرتبط با ساخت اجتماعی	۶۴
شرایط مرتبط با ساخت خانواه جدید	۶۶
خلاصه فصل	۶۷
فصل سوم: همسان همسری از دیدگاه اجتماعی - تحصیلی	۶۹
همسان همسری اجتماعی	۶۹
همسان همسری تحصیلی	۷۲
خلاصه فصل	۷۲
فصل چهارم: همسان همسری از نظر امور ذهنی و معنوی	۷۵
خلاصه فصل	۷۹
فصل پنجم: همسان همسری بر مبنای منشها	۸۱
خلاصه فصل	۸۴

بخش سوم: انواع و صور ازدواج

۸۸	درآمد
۸۹	فصل اول: ازدواج ربایشی
۹۰	خلاصه فصل
۹۳	فصل دوم: ازدواج از طریق خرید همسر
۹۵	خلاصه فصل
۹۷	فصل سوم: ازدواج موقت
۹۷	صیغه و صیغه‌گونه
۹۹	خلاصه فصل
۱۰۱	فصل چهارم: ازدواج مبادله‌ای
۱۰۴	خلاصه فصل
۱۰۷	فصل پنجم: ازدواج معلوم شده
۱۰۷	از دیدگاه جامعه‌شناسی
۱۰۸	از نظر عاملین اجتماعی
۱۰۹	از نظر معیارها
۱۰۹	از نظر شیوه‌ها
۱۰۹	خلاصه فصل
۱۱۱	فصل ششم: انواع دیگر
۱۱۱	ازدواج خصوصی
۱۱۲	ازدواج آزمایشی
۱۱۵	ازدواج دوستانه
۱۱۷	ازدواج با ارواح
۱۱۸	خلاصه فصل

بخش چهارم: گزینش همسر، علایق فردی و حد والدین

۱۲۲	درآمد
۱۲۳	فصل اول: ازدواج، آزادی جوانان و حد والدین
۱۲۶	خلاصه فصل
۱۲۷	فصل دوم: عشق و ازدواج
۱۲۹	خلاصه فصل

بخش پنجم: ازدواج در ایران امروز

۱۳۲	درآمد
۱۳۹	فصل اول ازدواج، جوانان و والدین

۱۴۰	..... خلاصه فصل
۱۴۳	..... فصل دوم: تحرک اجتماعی و همسرگزینی
۱۴۶	..... خلاصه فصل
۱۴۹	..... فصل سوم: دو متغیر اساسی: سن و ویژگیهای فرهنگی
۱۴۹	..... سن ازدواج در ایران معاصر
۱۵۲	..... انتخاب همسر از دیدگاه فرهنگی
۱۵۴	..... خلاصه فصل
<b>بخش ششم: خانواده، انواع و نظریه‌ها</b>	
۱۵۸	..... درآمد
۱۵۹	..... فصل اول: خانواده، انواع آن
۱۶۱	..... انواع خاصه
۱۶۸	..... خلاصه فصل
۱۷۱	..... فصل دوم: صاحب نظران
۱۷۱	..... مورگان
۱۷۵	..... دورکیم
۱۸۱	..... کلود لوی استروس
۱۸۵	..... خلاصه فصل
<b>بخش هفتم: حیات خانواده و عوامل مؤثر بر آن شامل زن و خانواده</b>	
۱۸۸	..... درآمد
۱۸۹	..... فصل اول: خانواده و اشتغال زن: تصویر واقعیت در کشورهای صنعتی
۱۹۰	..... ابعاد اشتغال زن، گرایشهای طبقاتی و جاذبه بخشهای اقتصادی
۱۹۳	..... دو متغیر اساسی: سن زن و ازدواج
۱۹۶	..... انگیزه‌ها و عوامل در اشتغال زن
۱۹۷	..... آثار و نتایج اشتغال زن
۳۰۱	..... خلاصه فصل
۳۰۵	..... فصل دوم: اشتغال زن و خانواده در ایران
۳۰۵	..... هدفها
۳۰۷	..... روشها و شاخصها
۳۰۷	..... طرح نمونه‌گیری
۳۰۸	..... تجویز یا طرد اشتغال زن
۳۱۱	..... دلایل و انگیزه‌ها
۳۱۳	..... نتیجه

۲۱۶ ..... خلاصه فصل

بخش هشتم: خویشاوندی و انواع آن

۲۲۰ ..... درآمد

۲۲۲ ..... ۱. خویشاوندی نسبی

۲۲۶ ..... ۲. خویشاوندی سببی

۲۲۶ ..... ۳. خویشاوندی توتمی

۲۲۷ ..... ۴. فرزند خواندگی

۲۲۷ ..... ۵. خویشاوندی رضاعی

۲۲۷ ..... ۶. پرستش‌های تعمیدی

۲۲۸ ..... خویشاوندی‌های دیگر

۲۲۸ ..... خلاصه

۲۳۱ ..... چند نتیجه

۲۴۵ ..... ضمیمه: کاربرد جامعه‌شناسی خانواده در گروه‌های ویژه؛ عشایر ایران

واژه نامه

۲۵۷ ..... واژگان خانواده (فارسی - انگلیسی)

۲۶۳ ..... واژگان خانواده (انگلیسی - فارسی)

منابع:

۲۶۹ ..... الف) منابع فارسی

۲۸۳ ..... ب) منابع خارجی

۲۹۴ ..... پاسخ پرسشهای چندگزینه‌ای



## پیشگفتار

اثری که بدین سان تقدیم جامعهٔ دانش پژوهان فارسی زبان می‌شود، حاصل نزدیک به بیست و پنج سال کار آموزش و پژوهش در زمینهٔ جامعه‌شناسی خانواده در ایران و کشورهای دیگر است. پذیرش موضوع «گزینش همسر در ایران و غرب» به عنوان رسالهٔ اصلی دکترای این جانب در سوربن به وساطت ژان استوتزل استاد عالی قدر به سال ۱۳۴۲، آغاز راه بود. پس از آن در سال ۱۳۴۷ با تئیلر رسالهٔ جامعه‌شناسی خانواده در دانشگاه تهران، بعد آموزش نیز بدان افزوده شد و این هر دو (پژوهش و آموزش)، از آن تاریخ تاکنون ادامه داشته است. قسمت‌هایی از این اثر در سالهای بعد از ۱۳۵۰ صورت چاپی کپی در اختیار دانشجویان قرار گرفت و هر سال نیز مورد تصحیح و تجدیدنظر واقع شدند، یعنی، که بعد از این نیز ادامه خواهد یافت و با هر چاپ، این اثر با ابعادی نو در اختیار دانشجویان همهٔ علاقه‌مندان به مباحث خانواده و ازدواج قرار خواهد گرفت. کتاب را هدفی است مضاعف. جنبهٔ بی‌استفادهٔ دانشجویان درس جامعه‌شناسی خانواده به نگارش درآمده است و از جانب مدیران همهٔ علاقه‌مندان به مباحث خانواده را مطرح نظر دارد. از این رو کوشش شده است مباحث علمی با یادگی تمام مطرح شوند تا هم ارباب دانش را مفید افتند و هم به کار دانش دوستان غیر دانشگاهی هم آیند.

در این سرآغاز باید از همهٔ کسانی که در تمامی این سالها به بیجا کمی و کیفی این اثر مفید بوده‌اند، تشکر کنم. باید عمیق‌ترین سپاس خود را به ژان استوتزل بدانم که در بحبوحهٔ اتمام این کتاب (۱۹۸۷) درگذشت. از دوستان ارجمند، آقای مرتضی شهبازی که مقدمهٔ رسالهٔ این جانب را ترجمه کرد و در این اثر قسمت‌هایی از آن به کار آمد و نیز آقای علی‌اکبر باکازمی سپاسگوارم. همچنین باید از خانمها سیمین افقهی، بتول سلطان‌محمدی، مه‌زاد سلطانی، پروین باقری به جهت تلاش صمیمانهٔ آنان در طرحی ناتمام در زمینهٔ خانواده - که خود امتیزهٔ تسریع در تهیهٔ این اثر گردید سپاسگزاری نمایم. آقای جواد طباطبایی در نهایت دقت کار و پراستاری کتاب را به عهده گرفتند، از این رو خواهشمندم مراتب نهایت سپاس این جانب را بپذیرند. امید که این اثر در بازار دانش محک یابد و هر روز ابعادی نو پذیرد.

تهران - اسفند ماه ۶۷

باقر ساروخانی

## مقدمه

در این تمهیدنامه، نهادها، سازمانها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. تمهیدی آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، همهٔ مصلحین، حتی رؤیایگرایان و آنان که به ناکجا آباد روی آورده‌اند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند. به درستی هیچ جایگاه متمایز از خانواده برای سلامتی و رفاه آن وجود ندارد؛ چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. باز بی هیچ شبهه‌ای می‌توان گفت که از آسایش‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد. به بیان اتوکلاسیک بر سر فرزند پدر بشر است، یعنی اوست که رسالت تداوم نسلها را در خود دارد و هم اوست که کیفیت و مدت عمر فرد را رقم می‌زند. آلن ژیرار، در باب همین اهمیت از دیدگاهی دیگر در اثرش بر «فرهنگ و تمدن» در فرانسهٔ معاصر می‌نویسد: «در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی حیات انسانی، هیچ‌یک از اهمیت بسزا برخوردار است؛ هم از نظرگاه فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی، هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی نیست که تحت تأثیر دگرگونیهای اجتماعی قرار نمی‌گیرد.»<sup>۳</sup>

نوشته‌های انسان‌شناسی، مشحون از آراء دانشمندانی است که به مطالعهٔ خانواده را پایدار می‌بینند، بلکه آثار عمیقی از جانب آن بر فرزندان ملاحظه می‌شوند. کلاینبرگ که اصطلاح «شخصیت اساسی» را عنوان کرده، معتقد است در افراد هر جامعه صفاتی مشترک می‌توان یافت

۱. آن گروه متفکرانی که از رویارویی با واقعیت اجتماعی بازماندند، کنج خلوتی گزیدند و در آن جامعه‌ای رؤیایی یا خاص میل و سلیقهٔ خویش بنا کردند. آنان را در اصطلاح «ناکجاآباد گرا، utopianists» می‌خوانند و جامعهٔ رؤیایی شان را «ناکجاآباد، utopia». ادبیات اجتماعی مشحون از اندیشه‌های آنان است و از افلاطون تا توماس مور و کامپانلا، سرتاسر تاریخ دانش را پوشانده‌اند.

2. O. Klineberg

نویسنده این جمله را عنوان فصلی از کتابش روانشناسی اجتماعی که به وسیلهٔ علی محمد کاردان به فارسی برگردانده شده، قرار داده است.

3. A.Girard, 1964, p.15.



و آن صفات که شخصیت اساسی آنان را تشکیل می‌دهد، معلول نهادهای نخستین اجتماعی است و هم آن صفات به نوبه خود در نهادهای ثانوی آن جامعه منعکس می‌گردد و بر آن اثر می‌نهد.

«در جامعه‌ای که تربیت کودک با بازی و مدارا و ملاحظت آمیخته است، شخصیت اساسی افراد به نرم خویی و آسانگیری مقرون می‌شود و خدایان در چنین جامعه‌ای پر از رحمت و شفقت تصور می‌شوند. تربیت سختگیر، انسانی تند خلق بار می‌آورد.»<sup>۱</sup>

چنین تحقیق مارگات مید در ساموا در همین زمینه، یعنی آثار تربیت خانوادگی بر کودکان نشیجی مشابه دست می‌دهد:

«مردم ساموا بیانند، چون تربیت آرام است و انسان یاد می‌گیرد که از قوانین به سادگی تبعیت کند. آن‌ها در آموختن انگلیسی در کتابش مردم آمریکا خصایص آمریکایی چون بی‌اعتنایی به قدر و آثاری خفاهی را از تربیت در کودکی ناشی می‌داند؛ چون در خانواده آمریکایی، زن منزلتی سامان دارد و پدر که در پاره‌ای از موارد متعلق به گروه‌های تازه مهاجر است، تسلط کامل بر فرزندان ندارد و بدان آمریکایی و به زبان دیگر، «من برتر» در آن جامعه رنگ زنانه دارد و رفتار خشن و آمریکایی در حقیقت عکس‌العکس عمل در برابر آن است.

انسان‌شناسان در جوامع مختلف بیان می‌کنند که طرز پرورش طفل در هر جامعه کلید فهم آن اجتماع و فرهنگ آن است. از حدود سال‌های ۱۹۳۰ به این سو مردم‌شناسان کوشش‌هایی خاص در مطالعه طرز پرورش کودک در اجتماعات مختلف به کار بسته‌اند و منشأ بسیاری از مشخصات اجتماعی و فرهنگی را در نحوه رفتار با کودکان جستجو می‌کنند، تا جایی که امروزه هر محقق فرهنگ، از بررسی دوران کودکی و نحوه بارآوردن کودکان در جامعه آغاز می‌کند و نهادهای اجتماعی را انعکاسی از این تربیت و ناشی از آن می‌داند.

بدون جانبداری محض از نظریات روانکاوان - که عنصر تعیین‌کننده شخصیت آینده کودک را در سالهای اولیه وی می‌جویند - می‌توان به اریکسون استناد بست که می‌گوید: «والدین در این دوره از تربیت کودک با سلوک و رفتار خویش، به طور منظم با خودآگاه قواعد بنیانی الگوهای فرهنگی خود را در نظام عصبی کودک جای می‌دهند.»<sup>۴</sup>

۱. ش. راسخ، ۱۳۴۷، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۵.

3. Gorer

۴. نیز تحقیقات لابر (Labarre) در ژاپن که قبول امپراطور را ناشی از تربیت در خانواده می‌داند و بررسی‌های

فروید با کاوش در وجدان ناآگاه انسان، آثار گذشته را در خلق و خوی وی مؤثر دانست و از این طریق، باز هم تأثیر خانواده بر کودک اهمیت یافت.

مطالعات گورر در روسیه نشان داد که حتی قنடاق کردن کودک در خانواده و روشهای آن، در روحیه کودک آثاری عمیق برجای می‌گذارد و چه بسا که اطاعت کورکورانه از بزرگان را در او پرورش می‌دهد.

ارحیم در باب چگونگی شیردادن کودک از جانب مادر و تأثیر آن بر شخصیت کودک سخن می‌گوید و مثالی از استرالیا نقل می‌کند که در آن فطام مطرح نیست و کودک هر قدر می‌خواهد شیر می‌خورد و از این رو با منهیات کمتری در اجتماع نیز روبه رو می‌شود و شخصیتی سست‌تر از آنچه گورر ترسیم می‌کرد، می‌یابد.

اریش فرم، شخصیتی سخن می‌راند که نامش را شخصیت ضعیف کش<sup>۱</sup> می‌نهد و به زعم او خشونت پدر در خانواده کودک را چنان بار می‌آورد که بی‌چون و چرا فرمان‌پذیرد و در برابر قوی تسلیم محض ماند، که در برابر ضعف قدرت خواهد و تسلطی بی‌چون و چرا طلبد.

حساسیت روانی کودک، احساسات او را خصوصاً تجمع هر اثر خارجی که بر وی وارد می‌شود در جزء ناآگاه وجدانش، اثر اولیه خانواده می‌آورد. در این زمینه باز هم آثار بسیاری پدید آمد که بر تأثیر تربیت در خانواده و مخصوصاً احساسات و احساس مادر دلالت داشت. حتی کارلسون<sup>۲</sup> خرسندی فرزندان را به هنگام ازدواج متأثر از خرسندی والدین آنان در خانواده می‌دانست.<sup>۳</sup> همچنان که درست در همین مضمون، کوتزل و برگس<sup>۴</sup> سادت فرزندان را در زندگی زناشویی از سعادت والدین در خانواده متأثر می‌دانند. بالاتر از این ویدیا و سکاوانه متأثر از صاحب‌نظران این رشته، ترمن<sup>۵</sup> تمایل مرد را به ازدواج با دختری که از جهتی یادآور مادر باشد، نشان می‌دهد و کیرک پاتریک<sup>۶</sup> بر تشابه ویژگیهای جسمانی همسر با مادر تکیه داده و نشان می‌دهد و با این همه و به رغم اهمیت حیاتی خانواده در سلامت جسم و روان انسانها، تمامی جوامع، خانواده جدید در معرض تهدیدهایی بسیار است:

۱. از جانبی شاهد رقابت سخت دیگر نهادها و سازمانها نظیر وسایل ارتباط جمعی یا

→ شافنر (Schaffner) که پذیرش محض رئیس مملکت را در آلمان ناشی از ساخت خانواده می‌داند، نتایجی در همین جهت به دست می‌دهند.

1. authoritarian personality

2. G. Karlsson, 1963.

۳. به نقل از: B. Saroukhani, 1968, p.36

5. L.M. Terman. 1939.

4. E. W. Burgess, H. J. Cottrel, 1939

6. C. Kirkpatrick, 1937.

خانواده‌ایم. تکنولوژی عظیم ارتباطات در همه جا، از جمله خانواده، جای یافته و هیچ گریزی از آن نیست، زیرا که روندی بازگشت ناپذیر<sup>۱</sup> دارد و خواه‌ناخواه بر این واحد مهم اجتماعی آفاری شگرف برجای می‌نهد که برخی از آنها چنینند:

### ریزش دیوارها

خانوادهٔ انسانی از آغاز پیدایی خود، همچون حریم امن حیات انسان تجلی یافت. ضرب‌المثل معروف «چهاردیواری اختیاری» در بین هزارها مثل دیگر، گواه بر وجود دیوارهایی گاه بلند در اطراف خانه است. انسانها در درون آن استراحت می‌کردند، به کار می‌پرداختند و در هر حال از قیل و قلعه بیرون نبودند. عصر ارتباطات جمعی، بر این واقعیت رقم بطلان زد و پایان این دوران را بر خانه‌های تاریخی خانواده اعلام داشت. بدین‌سان، دیواره‌های نفوذناپذیر خانه فرو ریخت، و امواج رایو و تلویزیون سرتاسر آن را در تمامی شبانه روز انباشت. در خانواده هر لحظه جامعه جای زندگی و قانون امن حیات، مرکز مباحث اساسی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گردید. در درون خانه‌ها، شب قتل واقع می‌شود، عروسی برپا می‌گردد و آخرین اخبار دنیا انعکاس می‌یابد. بنابراین، خانواده محدودهای جدا و محصور<sup>۲</sup> نیست.

### تکوین ابعاد نوین

خانواده در تمامی تاریخش، کانون کار و استراحت بوده اما امروزه کانون فرهنگی - اجتماعی نیز هست. انسانها به خانه می‌آیند تا بیاموزند و بازمانده‌ها را می‌کنند تا در آن از جهان آگاهی یابند. بنابراین خانوادهٔ جدید، چنان ابعادی دارد که هرگز در تاریخ نداشته است. گاه سازمانهای آموزشی برنامه‌های خود را از طریق تلویزیون یا رادیو پخش می‌کنند. بنابراین خانواده کانون آموزش رسمی نیز هست. در بسیاری از کشورها، آموزش بی‌سابقه از طریق رادیو تحقق می‌پذیرد. بنابراین در خانه و خانواده می‌توان الفبای درسی نیز فراگرفت.

### بازگشت مردان

با توجه به آنچه گفته شد، بسیاری را عقیده بر این است که در خانوادهٔ جدید چنان جاذبه‌هایی پدید آمده است که مردان گریزپای را نیز بدان متوجه ساخته است. حال که در خانه می‌توان از

1. irreversible

2. isolate

دنیا خبر گرفت و با دیدن برنامه‌های سرگرم‌کننده، از فراغتی فرهنگی برخوردار شد، پس می‌توان بدان بازگشت و دیگر کستر نهاد یا سازمانی قدرت رقابت با خانه را از نظر جاذبه می‌تواند داشته باشد.

## ارتباط موزاییکی

با این همه، خانواده نو انسانها را به خود می‌کشد، اما نه در تامیّت هستی آنان. افراد خانه عادت می‌کنند از آغاز شب در محلی (مثلاً همان خانه) جمع شوند و به رادیو و مخصوصاً تلویزیون گوش می‌دهند. در این حال، ممکن است بر اثر کمی جا بسیار فشرده بنشینند، اما توجه آنان به خارج از خانه است. همه در مقابل آنان رو به کاستی است، آن طور که نبودن یکی از افراد خانه کمتر محسوس است. به بیان دیگر، به جای آنکه مانند قرنهای پیشین افراد خانه با یکدیگر گفت و گو کنند، درد دل کنند و امثالها، تلویزیون سروکار دارند. این فرایند را باید نوعی بحران عاطفی<sup>۱</sup> در خانه جدید بدانیم. بر همین روند به نوعی تجزّی شخصیت انسانی دیده می‌شود. انسان به طور کامل در خانه نیست، هر چند که به ظاهر و از نظر جسمانی در جمع ساکنان خانه است. فراگرد بخشی شدن<sup>۲</sup> و بعد شدن<sup>۳</sup> و به طور دقیق جدایی از تامیّت<sup>۴</sup> انسان در خانه، به درستی و بی هیچ شبهه‌ای بر کسی بسیار بر جای می‌گذارد. مخصوصاً که با بسط وسایل ارتباط جمعی، از جانبی به جهت تعدد کانالها، تلویزیون و از جانب دیگر به خاطر کوچک شدن این وسیله و خریداری آن توسط هر یک از اعضای خانه، این تجمع صوری نیز گسست. هر کس در اطاق خود تلویزیونی، رادیویی و یا روزنامه و مجلّه خاصی دارد و بدان روی می‌کند.

## رقابت در انتقال ارزشها

اگر در تمامی قرن‌ها، خانواده انحصار آموزشی و انتقال ارزشهای حیاتی را در بردارد، در حال چنین نیست. فرزندان امروز از سرچشمه‌هایی دیگر و از جمله وسایل ارتباط جمعی بسیار چیزها فرا می‌گیرند. آنان کمتر تحت تأثیر والدین و به طور کلی بزرگ‌ترهای خانه‌اند زمانی نیز که بین ارزشهای خانه و آن ارزشها که از طریق وسایل ارتباط جمعی ارائه می‌شوند تعارض رخ می‌دهد، به نظر چنین می‌رسد که قدرت غالب از آن وسایل همه‌گیر و همه جا حاضر ارتباط

1. emotional crisis

2. partial

3. unidimensional

4. totality

جمعی است. بنابراین، می‌توان گفت که خانه جدید از بزرگترین امتیازات سنتی خود خالی گشته است یا آنکه دست کم در برابر رقابلی «تیز چنگ» قرار گرفته است. منظور این نیست که این هروند نادرست قلمداد شود، تنها می‌خواهیم بر پیدایی آن و بالطبع تأثیرش بر محتوای درونی خانواده اشاره کرده باشیم.

۱. بدین قرار، خانواده نو، در کنار وسایل ارتباط جمعی هر چند، جهاتی مثبت یافت، اما با رهایی نسبی سوسنگین نیز مواجه شد. همین رقابت بین خانواده و سازمانهای آموزشی نیز پدید آمد. چنانچه دیگر ذهن و روان کودک به تمام معنی در اختیار والدینش نیست. گاه او خود پیامهای نوری فرهنگی را به خانه می‌آورد و خود موجبات بسط و تعالی فرهنگ خانه می‌شود. زمانی که مادر و معلمان و اولیا متمایز را ارائه می‌کنند، معمولاً برد با مدرسه و صاحبان آن است. هرچند که این خود را تنها به منظور مطلوب شخصیت طفل را به تأخیر اندازد.

۲. گذشته از این فاکتورهای اجتماعی انحصار زدایی که خانواده جدید از نظر آموزشی با آن مواجه است، ابعاد کمی خانه نو نیز در دسترس و در دسترس رو به کاستی نهاد:

الف. مهاجرت خانواده جوان به مکانی نو و به اصطلاح نو مکان شدن خانواده جدید که با خود دوری والدین از خانه نو یا به عبارت دیگر، مهاجرت والدین را به همراه دارد.

ب. کاهش تعداد فرزندان، که این گرایش نیز ناشی از جوامع چنان پا گرفت که خانواده به عنوان مشروع‌ترین و طبیعی‌ترین واحد تولید و تکثیر از تأمین حداقل نیروی انسانی در راه بقای نسل بازماند. نمونه جامعه فرانسه بعد از جنگ دوم جهانی است: در سالهای ۱۹۴۵ که ارتش نازی نابود گردید و فرانسه از اشغال نازی‌ها به دردت، برآورد و رگبار در تبعید به وطن بازگشت. او در اولین سخنرانیهایش در بین همه وعده داد، به جامعه فرانسه نوید داد که یک میلیون بچه برای فرانسه فراهم آورد. منظور این بود که چنانچه وسایل و ابزار در تشویق خانواده‌ها به تولید مثل فراهم آورد که خطر انهدام نسل فرانسه از بین برود.

۳. علاوه بر این، خانواده جدید در برابر موج دگرگونیهای نو با تجزیه تاریخی خانواده و کار مواجه گشت: در گذشته‌ای نه چندان دور، خانواده واحد تولید و مصرف هر دو تلقی می‌شد. کار انسانها با خانواده آنان درهم آمیخته بود و از این دیدگاه خانواده اهمیتی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی می‌یافت نتایج این امر بسیار بود:

- از طرفی، پدر، سمتهایی خاص و با آن جایگاهی ویژه می‌یافت. او در عین حال والد (سمت زیستی)، پدر و کارفرمای اقتصادی بود. از دیدگاه نیروی انسانی نیز گروهی خاص در جامعه پدید آمده بود که بدان کارگران فامیلی یا خانوادگی اطلاق می‌شد. آنان کار و خانواده را به

هم آمیخته بودند یا به بیان دیگر کار را در خانه تسری بخشیده بودند.

- از جانب دیگر، در چنین خانواده‌ای، جوان با کارش، خانواده نوپایش را نیز در چارچوب خانواده بزرگ جای می‌داد و این امر نه تنها بر حجم خانواده (از دیدگاه کمی) می‌افزود، بلکه ترکیب خانواده و نوع روابط آن را تحت تأثیر قرار می‌داد.

- سوم آنکه در شرایط ادغام واحدهای کار در خانه، انسانها به مدیریتی خو می‌گرفتند که در اصطلاح پدرمآبی<sup>۱</sup> خوانده می‌شود. هنگامی که رئیس خانه و مدیر اداری هر دو پدر است، از جانشین پدر رو به افزایش می‌نهد و از جانب دیگر مدیریت با عواطفی می‌آمیزد که در شرایط تجزی کار از خانواده تحقق‌پذیر نیست.

در روزگار امین روزگاریا به کلی متوقف گردیده است و یا آنکه صرفاً در زمینه‌هایی چند (نظیر کشاورزی) دیده می‌شود. مدیریت نه تنها از خانواده جداست، بلکه از سرمایه نیز تجزی می‌جوید. به طوری که مدیران شرکت‌های عام، مدیریت به عنوان یک حرفه و تخصص رخ می‌نماید. بنابراین خانواده تولیدکننده ابعاد تولیدی آن صرفاً یک واحد مصرفی است؛

اما در این راستا نیز گفت‌وگو بسیار است. بسیاری را عقیده بر این است که با پیدایی روشهای جدید مصرف از جمله کار تمام وقت ادین، صرف غذا در محل کار (نهار و حتی صبحانه) و همچنین مهاجرت وسیع زنان از خانه و حتی تمام وقت آنان، دیگر خانه به صورت سنتی واحد مصرف نیز نیست و از این به بعد نیز آرام جدا می‌شود.

۴. پیدایی سازمانهای دیگر، نظیر مهد کودک و... موجب جابجایی زودرس مادر، فرزند و آنها در حساس‌ترین سالهای زندگی و حیات کودک گردید که زودرس زودرس حاد به استغفای مادر از نقش خویشتن و نیز تکوین عوارضی چند نظیر پرستار مادری<sup>۲</sup> انجامید که بر تعادل عاطفی کودک اثر نهاد.

تمامی این شرایط موجب گردید که خانواده با انفجار نقشهایش مواجه شود. در هر حال در معرض عظیم‌ترین دگرگونی تاریخی قرار گیرد. ژان کازنو، در اثرش جامعه‌شناسی و سبب ارتباط جمعی<sup>۳</sup> تحت تأثیر همین عوامل به نقل از ویلیامز می‌نویسد: «عواملی ثبات خانواده را تهدید می‌نماید. خانواده‌ای که در زن و شوهر و فرزندان خلاصه می‌شود، صرفاً از طریق والدین به

۱. paternalism

۲. hospitalism

۳. عنوان اصلی این کتاب جامعه همه جایی است، لیک به سبب نامأنوس بودن نام در فارسی، جامعه‌شناسی و سبب ارتباط جمعی خوانده شد و به وسیله این جانب و دکتر منوچهر محسنی ترجمه و در انشارات سروش (چاپ اول) و اطلاعات (چاپ دوم) منتشر شد.

نمایندگان نسل‌های پیشین می‌پیوندند؛ بدون آنکه خود را در آنان ادغام نماید. بچه‌ها نیز به نوبه خود خانواده را به محض ازدواج ترک می‌کنند و دیگر خانواده عامل ایجادکنندهٔ تداوم زمانی نیست. علاوه بر این، افزایش طلاق ما را به سوی نظامی می‌کشد که در آن خانواده‌های چند همسر به طور متوالی پدید آمده، جانشین یکدیگر می‌شوند.<sup>۱</sup>

الن توفلر در اثرش ضربهٔ آینده از این نیز فراتر رفته می‌نویسد: «در آینده به جای خانوادهٔ امروزی، اهد پیوندهایی صرفاً موقت خواهیم بود.»<sup>۲</sup>

آیا واقعاً چنین است؟ و یا در برابر این واقعیت گریزی نیست و انسانها ناچار به پذیرش آنند؟ پاسخ هر دو سؤال منفی است:

در پاسخ به سؤال نخست، می‌گوییم، به نظر ما پیدایی این حوادث به معنای تضعیف قطعی خانواده‌ها امری نیست. بسیاری از اندیشمندان جهان امروز، علیرغم تمامی این نظریات بدبینانه، با نگرش خوش‌بینانه، نوسازی آن و پیدایی پایگاههای جدید برای آن سخن می‌رانند:

به نظر ریس<sup>۳</sup>، هیچ دلیل وجودی ندارد که دال بر تغییرات سریع و وسیع در نفس خانواده در جامعهٔ جدید باشد. لیک به نظر می‌رسد که به سوی آزادی بیشتر زوجین و تشابه تدریجی نقش‌های زن و مرد پیش می‌رویم. باز عادت‌های خانوادگی که در جهت نفی ثبات خانواده ابراز شده است، حتی در جوامع صنعتی انسانها به نسبت کانون خانواده می‌اندیشند. طبق تحقیقی که توسط سوفرس<sup>۴</sup> صورت گرفت، ۵۶ درصد زنان و مردان فرانسوی بر این اعتقادند که جز در کانون خانه عشق پدید نمی‌آید و ۵۹ درصد سعادت را فقط در خانواده می‌دانند. بررسی دیگر نشان می‌دهد که چنین عقیده‌ای بالاخص از جانب جوانان نیز ابراز می‌شود؛ در سال ۱۹۵۷، ۸۲ درصد جوانان ادعا می‌کنند که وفا اصل اول عشق است و در سال ۱۹۶۰ همین نظر توسط ۸۶ درصد جوانان ابراز می‌شود و تمامی اینها دال بر ثبات خانواده هستند. وفای بدان است.<sup>۵</sup> حتی ژانتل<sup>۶</sup> اثرش را به نشانهٔ بقای خانواده و تثبیت ارکان آن، به سوی تغییر نظام نهاد. روزن مایر<sup>۷</sup> در مقاله‌اش «مقدمه بر جامعه‌شناسی جوانان» در تأکید بر همین روند، چنین

۱. همان، ص ۱۴۹.

2. A. Toffler. 1970. p. 233. 3. Reiss

۴. S.O.F.R.S در کنار ایفوب (I.F.O.P)، یکی دیگر از مؤسسات سنجش افکار در فرانسه است.

۵. کازنو (ژان)، ۱۳۶۵، ص ۱۵۰.

6. Jantel, (L.M), 1970. 7. Rosenmayer

می‌نویسد:

«تاکنون بیش از اندازه به سستی روابط پدر و مادر و فرزندان اشاره شده است بدون آنکه به پیوندهای عمیق خانوادگی توجه بشود. جدول همبستگی ۱۸ متغیر وابسته و تحلیل فاکتوریل این جداول نشان می‌دهد که روابط فرزندان با پدر و مادر علیرغم اختلافاتی که بین آنها پیش می‌آید، روابطی استوارند. جدول مزبور فقط نشان دهنده تعلق یا عدم پیوستگی عاطفی بین فرزندان و والدین آنهاست. پاسخهای دیگری که با روشهای گوناگون از قبیل تکمیل جملات ناقص و استعمال عباراتی که قبلاً در اختیار جوابگو گذاشته می‌شوند، مؤید چنین نتایجی است.»

دا دهل این بحث را می‌گوید این مطلب است که روابط فرزند با والدینش (مخصوصاً با مادرش) محبت آمیز است. علاوه بر این، نظر سایرین نیز حاکی از اعتماد کامل نوجوان نسبت به مادرش می‌باشد، اشخاصی که اهرآ از دوران کودکی سرچشمه می‌گیرد، بنابراین تحقیق ما دنباله و مکمل بررسیهایی است که رنه اسپیتز (Rene spitz) و ملانی کلین (Melanie Klein) در خصوص روابط عاطفی مادر و کودک به عمل آورده‌اند، نیز آراء اریکسون (E.H.Erikson) را درباره نقش اعتماد در همسان بینی خود فر دیگری و راهی که مادر برای ایجاد این اعتماد برمی‌گزینند، تأیید می‌کند.

در نظر کودک، مادر اساس خانواده را تشکیل می‌دهد. این مطلب هر چند بیشتر در خانواده‌های پایین‌تر (از نظر طبقات اجتماعی) تحقق می‌یابد، لیکن همه جا صادق است. نکته جالب این است که همین نتایج در بررسی‌های دقیق آمار که در خانواده‌های پیوسته هندی یا در اروپا و آفریقا انجام گرفته، ملاحظه می‌شود. در کشورهای آمریکای جنوبی این تمایل بیشتر به صورت اجتماع در حول و حوش مادر تجلی می‌کند زیرا در این کشورها اغلب مرد دور از زن و کودک بسر می‌برد.<sup>۱</sup> پس باید سخن از نوسازمانی<sup>۲</sup> و ساخت‌یابی مجدد خانواده<sup>۳</sup> خانواده جدید باید در انطباق با جریانهای جدید اجتماعی قوت یابد و کماکان در راستای سلامت جسم و جان انسانها به کار آید. در این معنی، افقی شدن هرم قدرت در خانواده<sup>۴</sup> باید به همراه بسط روندهای دموکراتیک در کل جوامع، نباید به تضعیف این نهاد انجامد و باید توجه داشت که از این فرایند مثبت به خوبی استفاده شود. از این پس در لوای این حرکت بزرگ، دیگر تربیت خستک سنتی لغو می‌گردد. به جای آنکه از آغاز حیات، کودک را عادت دهیم بی هیچ چون و چرا

۱. روزن مایر، ۱۳۴۸، ص ۸.



فوراً هر دستور را بپذیرد؛ از این پس، راه دراز اما خوش سرانجام آموزش، درونی سازی<sup>۱</sup> هنجارها<sup>۲</sup> و در نهایت گفت و گوی مفید با کودکان را در پیش می‌گیریم. چه خراب است کودک از آغاز سالهای حیاتش با قوانین و هنجارهای خانه چنان آشنا شود و به عمق آنها پی برد که همگی را از آن خویشتن داند، خود در حراست از آنها بکوشد تا در نهایت آشتی<sup>۳</sup> انسان و قوانین اجتماعی از این میان برخیزد.<sup>۴</sup> باز چه خوب است به جای آنکه والدین همچون هیولاهای قبیح و زور به حساب آیند و کودک نداند چرا او را مجبور به انجام این عمل یا ترک فعل و بی‌عملی دیگر می‌کنند، چنان از طریق گفت و گو و در عمل او را بازآورند که خود راه آنان را پیماید و هیچ تردید بپذیرد که قواعد ذکر شده توسط آنان به صلاح خود اوست.

از روزگار دیگر با کوچک شدن خانواده، به جای آنکه سخن از کاستی در نقش خانواده برانیم، بهتر است بر ابعاد کیفی آن توجه بیشتری مبذول داریم. در لوای این حرکت جدید که فرزندان کمتری را به دنیا می‌آورد، می‌توان بر تربیت نسلی هم‌ت گماشت که «بلوغ اجتماعی»<sup>۴</sup> بهتر و مبالغه‌آمیزتر، شهروندی تمام عیار به حساب می‌آید و می‌تواند خود در راه ارتقای کیفی جامعه خویشتن مؤثر باشد. با بسط دیگر سازمانها یا نهادهای رفقای نقشهای سنتی خانه پدید آمده‌اند، باز به جای نومیثی، می‌توان چنین انگاشت که دیگران در انحصار<sup>۵</sup> در هر زمینه بسر آمده است. بهتر آن است که خانواده بتواند بهترین ارزشها را به کودک ارائه دهد تا بتواند در برابر دیگر سازمانها نقشی والاتر ایفا کند. در نتیجه هر جا که بنای تازه‌ای بر راه علیّه انسان پدید می‌آید، نریذی از ارتقای انسانی به همراه دارد.

اهداف این کتاب نیز در همین محدوده قرار می‌گیرد. سخن درباره حراست از مقدس‌ترین میراث اجتماعی است. پس باید دقیقاً آن را شناخت و با همهٔ کیفیاتی که در باب آن در ایران و جهان صورت یافته‌اند، آشنا شد. زیرا همین شناخت است که می‌تواند در بهسازی آن یاری خواهد کرد.

1. internalizati\_on

2. norms

۳. چنانچه والدین بکوشند تا به جای تحکم و مجبور ساختن کودک به پذیرش هنجارهای اجتماعی، او را با این هنجار آشنا سازند و دلیل پیدایی آن را برای او دقیقاً بیان نمایند، نتیجه این خواهد بود که کودک این هنجارها را می‌پذیرد، از آن خود می‌کند و بعدها نیز چنانچه فرد دیگری از آن تخطی کرد، بدو هشدار می‌دهد. این فرایند را درونی سازی (internalization) قواعد و هنجارهای اجتماعی می‌خوانند که موجبات آشتی انسان و قوانین جامعه را فراهم می‌سازد.

4. social maturation

5. monopolization

اساس فلسفی ما، متضمن نفی دو مین سؤال پیشین نیز هست. ما انسانها را موجوداتی پذیرا و منفعل<sup>۱</sup> تلقی نمی‌کنیم. آنان می‌توانند با اراده و شناخت بر روند ناسلطوب پدیده‌ها اثر گذارند. جریانهای اجتماعی را واژگون سازند<sup>۲</sup> و به عنوان خلیفه‌الله، زمین را به مدد بهره‌مندی از موهبت‌های الهی که در آنان به ودیعت نهاده شده است، جای مناسبی برای حیات فرزندانسان سازند. بنابراین نفی هر نوع جبرگرایی<sup>۳</sup> و یا فلسفه ضرورت<sup>۴</sup> (در معنای اسارت انسانها و ادغام آنان در نظامی اجتماعی)، آغازی در راه بی‌پایان شناخت و اندیشه برای بهسازی و نوسازی نهادها به وسیله انسانهاست.

با تمامی ایمان که به اهمیت خانواده داریم و این سطور موجزی از آن را منعکس می‌سازد، و نیز با تمامی روششناسی که در راه قوام و دوام آن در این برهه حساس تاریخی در نظر داریم، در راه تهیه این اثر کوشیده‌ایم. امید است که این راه با مشکلاتی نیز مواجه شدیم که برخی از آنها چنین‌اند:

### الف. مشکل ساختی

خانواده نزدیک‌ترین و واحد حیات به انسان است. اکثریت قریب به اتفاق انسانها در خانواده به دنیا می‌آیند و نخستین گامهای حیاتی را در آن می‌آوردند. باز اکثریت قاطع انسانها خود نیز خانواده‌ای بنا می‌کنند و تمامی عمر را در آن به سر می‌آورند. لذا شناخت این واحد اجتماعی، به جهت نزدیکی آن با انسان سخت دشوار خواهد بود. مطالعه‌ای فارغ از ارزش‌گذاری<sup>۵</sup> و لزوم وجود حلال‌فصله بین محقق و موضوع مورد تحقیق، در این زمینه به دشواری صورت‌پذیر است و این مشکل برای تمامی جامعه‌شناسان خانواده در ایران و سایر هر برهه از تاریخ وجود دارد.

### ب. مشکل عرضی

تهیه این اثر در ایران و به زبان فارسی با مشکلات دیگری نیز مواجه بود. در ادامه ما به سه مورد از آنها اشاره می‌کنیم: «داده‌های دقیق، متن و از طریق داده‌های علمی به دست آمده در مورد خانواده ایرانی؛ مشکل دیگر، «حریمی بودن» و در اکثر موارد محرمانه بودن اطلاعات مربوط به خانواده است. برخلاف

1. passive

۲. بی‌هیچ تردید بیان خداوند در قرآن کریم در همین راستاست: ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم (خداوند چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند). رعد. آیه ۱۳.

3. determinism

4. necessitarianism

5. value - freedom

دیگر پژوهشها که بیشتر با رفتار انسانی سر و کار دارند، در خانواده با ارزشها و اذهان سر و کار است. آن هم ارزشهایی خاص که در زمره اسرار درونی خانه به حساب می‌آیند. بدین جهت، شاید بتوان گفت، مطالعه خانواده از مشکل‌ترین مطالعات اجتماعی است. چه، در اکثر موارد، یک پسر یا دختر متأهل حتی نزدیک‌ترین کسانی را به راز اساسی خود صحریم نمی‌سازد. آن هم در جامعه‌ای که رازداری خانه و حراست از حرمت و قداست آن سنتی والا به حساب آمده است. با تمامی این مسائل و اهدافی که ذکرش آمد، این کتاب آغاز گشت و تحویل جامعه دانش‌روان ایرانی گردید، به امید آنکه گامی کوچک به حساب آید و نویدبخش تحقیقاتی وسیع و هدیه‌جانبه در باب این پدیده مهم حیات گردد.

www.ketab.ir

بخش نخست  
ازدواج و تطوّر آن

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

## درآمد

در این بخش نخست بی شبیه به بدین دو سؤال پاسخ دهیم: ازدواج چیست و نظر دانشمندانی چند که عمری در راه مسائل با صاف کرده‌اند، در این باره کدام است؟ پس از آن دگرگونیهای ازدواج را در بستر تاریخ مطمئن نظر قرار می‌دهیم. بی هیچ شبهه، این دو هدف با یکدیگر آمیخته‌اند: ازدواج پدیده‌ای مطلق است از بستر زمان و مکان نیست. در هر زمان و در هر جامعه چهره‌ای خاص دارد و با جامعه نیز دگرگون می‌شود. پس در فصل دوم این بخش که با تطور ازدواج مرتبط است، پاسخ دقیق‌تری در باب این سؤال اساسی که ازدواج چیست، خواهیم یافت.

WWW.KOTAB.IR